

هنرمند و امام جماعت شهرک شهید باهنر، معتقد است که روحانی نباید تک بعدی باشد

## شیفته گهرهای طبیعت



راه تجربه

### اهالی محله مشتاق سنگ ها هستند

علی آقادر باره فروش صحبت می کند و اینکه چند صفحه چند هزار نفری در پیام رسانی های مختلف دارند و به تدریج مشتری های خودشان را پیدا کرده اند. البته تمرکز اصلی شان روی فروش نبوده و بیشتر اهالی همین محله مشتری مغازه شده اند؛ تا حالا خیلی تبلیغ نکرده ایم. تمرکزمان بیشتر روی تولید است. ولی حالا داریم به فروش هم فکر می کنیم، چون کم کم محصولاتمان دارد جای خودش را پیدا می کند. جالب تر اینکه برخلاف تصورشان، اهالی شهرک شهید باهنر، از سنگ ها استقبال خوبی کرده اند. بیشترشان به خاطر خواص سنگ ها سراغ آن ها می آیند. علی آقا سنگ شجر «ژئود» را بر طرف دارترین نوع می داند؛ «هم زیبایی طبیعی دارد، هم ویژگی هایی مثل ایجاد تعادل، تمرکز و آرامش. خیلی ها وقتی نگاهش می کنند، حس خوبی پیدا می کنند.»

### بهار در شجر هفت رنگ

اما سنگ مورد علاقه خودش، چیز دیگری است. با شور خاصی از «شجر بهار هفت رنگ» حرف می زند: سنگی که رگه های ظریفی از صورتی، زرد و آبی دارد. می گوید: هر وقت نگاهش می کنم یاد بهار می افتم. این سنگ ها فقط سنگ نیستند، یک تکه از طبیعت خداوند هستند که حسی زنده دارند. در میان مجموعه سنگ هایش، انواعی هستند که هیچ وقت راضی به فروششان نشده است. یکی از آن ها را از جعبه ای مخملی بیرون می آورد. سنگی شفاف و رگه دار که وسطش شکلی شبیه کلمه خداوند دیده می شود. می گوید: «این را خودم پیدا کردم. گذاشتمش توی صفحه مجازی مان و کلی پیام گرفتم که حاضرند با قیمت بالا آن را بخرند. ولی هیچ وقت نتوانستم بفروشمش. بعضی سنگ ها بیشتر از قیمتشان ارزش دارند.»

### زکات هنرم رومی پردازم

علی حاتمی معتقد است زکات هنری را که یاد گرفته است، باید با آموختن بپردازد. تا امروز چند بار برای آموزش به شهرهای دیگر دعوت شده و تجربه آموزش گهرشناسی و سنگ تراشی به طلبه ها را هم دارد. اما اینجا، در شهرک شهید باهنر، هنوز فرصت این کار را پیدا نکرده. بالین حال، در برنامه اش هست که کارگاهی برای آموزش راه بیندازد. او باور دارد که روحانی ها نباید تک بعدی باشند؛ درس حوزه مهم است، اما یادگیری مهارت و هنر هم به رشد فردی و ارتباط بهتر با مردم کمک می کند و نباید نادیده گرفته شود.



نیکو عقیده ادرست دیوار به دیوار مسجد جامع شهرک شهید باهنر، تنها کارگاه و مغازه گهر تراشی محله قرار گرفته است؛ مغازه ای کوچک که پشت و پیشین ساده اش، ردیفی از سنگ های عقیق و شجر زیر نور ملایم آفتاب برق می زند. تکه هایی از طبیعت که به شکل نگین درآمده اند.

صاحب مغازه، امام جماعت همین مسجد است. حجت الاسلام علی حاتمی. مردی که سال ها وقتش را صرف درس طلبگی و تبلیغ دین کرده، اما حالا در کنار منبر، با دنیای سنگ ها سروکار دارد. با شور و اشتیاق، طرح های ریز و درشت داخل سنگ ها را نشان می دهد. می گوید که هیچ وقت فکر نمی کرده درس طلبگی، روزی او را به دنیای سنگ ها برساند. اما همان بار اول، در یک جلسه آموزشی، وقتی نخستین سنگ را به دست گرفته، چیزی در دلش تکان خورده است.

حالا این علاقه، تبدیل به بخشی از زندگی اش شده. او کارگاه کوچکشان در محله شهید باهنر را با همراهی همسرش که او هم طلبه است، می گرداند؛ زنی که نه تنها در مسیر طلبگی هم قدم او است، بلکه در کنارش، با عشق و علاقه گهر می تراشد.

### سنگ هایی که چشم رومی دزدند

نیم ساعتی طول می کشد تا گفت و گوراشروع کنیم. دلیلش، ویتیرینی است؛ پراز سنگ های خوش نقش و نگار که نمی شود به سادگی از کنارشان گذشت. شجرهای هفت طرح و رنگ مثل تابلوهای کوچک نقاشی اند، با شاخ و برگ های ظریف که انگار منظره ای طبیعی را قاب گرفته اند. با باغوری ها، با طرح هایی شبیه چشم، نگاه آدم را خیره نگه می دارند.

حجت الاسلام والمسلمین علی حاتمی با حوصله و علاقه خاصی تک تک این سنگ ها را معرفی می کند، اسمشان را می گوید و دوباره بافت و خواصشان توضیح می دهد.

### از منبر تا سنگ تراشی

سه سال پیش بود که همراه خانواده اش ساکن شهرک شهید باهنر شد و در کنار مسجد، کارگاه سنگ تراشی کوچکی راه انداخت؛ مغازه ای ساده و جمع و جور، اما پراز رنگ و زندگی. علی حاتمی اصالتا اهل شهر آیسک در شهرستان سرایان خراسان جنوبی است. بعد از رسیدن به سطح ۲ حوزه، کار تبلیغ را آغاز کرد و به گوشه گوشه خراسان بزرگ می رفت. او می گوید: پایم به هر گوشه خراسان رسیده، از روستاهای مرزی گرفته تا شهرهای بزرگ. بعد از دوازده سال تبلیغ، حالا امام جماعت مسجد جامع این شهرک است و عصرها پشت میز گهر تراشی اش می نشیند.

### مسیری متفاوت با گهرها

متولد ۱۳۷۰ است و در خانواده ای بزرگ شده که روحانیت در آن نسل به نسل جریان دارد؛ پدر، عموها، برادرها، همه روحانی اند. با اینکه علی حاتمی نیز همین مسیر را انتخاب کرده، سبک زندگی اش کم کم رنگی متفاوت گرفته است. خودش تعریف می کند: از وقتی

تبلیغ را شروع کردم، ایران گردی هم شروع شد. با هر سفر، چیزهای جدیدی کشف می کردم. اما هیچ چیز به اندازه آشنایی با دنیای سنگ ها مسیر زندگی ام را متفاوت نکرد.

پنج سال پیش که برای تبلیغ به منطقه خضری دشت بیاض رفته بود، در کلاس سنگ شناسی شرکت کرد؛ کلاسی رایگان و برای طلبه ها. بی هیچ پیش زمینه ای در آن کلاس نشست، اما همان برخورد اول به اندازه ای خاص بود که هرگز از یادش نرفته است؛ «فقط سنگ را دستم گرفتم، یک عقیق بود. نمی دانم چه شد، ولی حس آرامش عجیبی داشتم. همان جافهمیدم این فقط یک علاقه گذرانیست. چیزی درونم تکان خورد.»

بعد از آن در چند دوره مجازی گهرشناسی ثبت نام کرد و بعدتر هم عضو انجمن گهر تراشان فردوس شد.

### قصه سنگی که با نقره قاب می شود

اما استخراج، فقط آغاز راه بود. مسیری طولانی از دل کوه و بیابان شروع شد و به قطعه ای زیبا و ریتیرین مغازه رسید. علی حاتمی همه مراحل این مسیر را با حوصله و دقت یاد گرفته است؛ از برش اولیه گرفته تا صیقل کاری و پرداخت نهایی. حالا بیشتر این مراحل در طبقه بالای مغازه اش انجام می شود؛ جایی خلوت و پراز ابزارهای دقیق، دستگاه های برش و جعبه های کوچک و بزرگ پراز سنگ های خام. از وقتی به شهرک شهید باهنر آمده، دیگر کمتر فرصت می کند برای استخراج به بیابان برود. در عوض تمرکزش را گذاشته است روی طراحی و ساخت انگشتر، پلاک، قاب های نقره و ترکیب سنگ های طبیعی با فلزات ارزشمند؛ «ترکیب نقره با شجر یا عقیق، یک جور بازی با طبیعت است. هر سنگ قصه ای دارد و نقره انگار آن قصه را قاب می گیرد.»

